



قیام مختار در کوفه در سال 66 هجری قمری

مختار بن ابی عبیده ثقفی و خاندان مبارز وی، به ویژه عمویش سعد بن مسعود، همگی از شیعیان و علاقمندان امام علی(ع) و فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و از طرفداران و محبان اهل بیت(ع) بودند.

مختار بن ابی عبیده ثقفی و خاندان مبارز وی، به ویژه عمویش سعد بن مسعود، همگی از شیعیان و علاقمندان امام علی(ع) و فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و از طرفداران و محبان اهل بیت(ع) بودند.

سعد بن مسعود، عموی مختار در ایام خلافت امام علی(ع) از جانب آن حضرت، حاکم مدائن شد و در کنار آن حضرت با دشمنانش به نبرد برخاست و در ایام خلافت امام حسن مجتبی(ع) نیز بر این مقام، باقی بود.

در آغاز قیام امام حسین(ع)، مختار از هواداران اصلی آن حضرت در کوفه به شمار می‌آمد و به شدت با حکومت یزید مخالفت می‌ورزید و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام حسین(ع) وارد کوفه گردید، در خانه مختار، منزل گزید و از همن جا، قیام ضد اموی را رهبری می‌کرد ولی در روز قیام مسلم بن عقیل، که پیش از موعد مقرر به وقوع پیوست، مختار در کوفه نبود و زمانی به کوفه برگشت که مسلم بن عقیل، شهید و عبیدالله بن زیاد بر شهر تسلط کامل یافته بود و مختار به محض ورود به شهر دستگیر و زندانی گردید و با بزرگانی از شیعه، هم چون میثم تمار، عبدالله بن حارث و بسیاری از دوستداران اهل بیت(ع) در زندان، هم بند شد و روحیه رزمی تازه‌ای یافت.

عبدالله بن عمر، که همسر صفیه خواهر مختار بود، از دستگیری وی با اطلاع شد و جهت رهایی وی نامه‌ای به یزید نوشت و از او تقاضای خلاصی مختار از بند عبیدالله را نمود.

یزید درخواست وی را پذیرفت و به عبید الله، نامه‌ای نوشت و دستور داد که مختار را آزاد نماید. عبید الله بن زیاد که قصد اعدام مختار را داشت، به ناچار وی را آزاد کرد ولی دستور داد که از شهر کوفه بیرون رود.

مختار، هنگامی از زندان رهایی یافت که واقعه کربلا و قیام اباعبدالله الحسین(ع) و شهادت آن حضرت و یارانش در کربلا به پایان رسیده بود و او افسوس فراوان می‌خورد که چرا توفیق حضور در رکاب آن حضرت را نداشت. مختار از آن پس به سوی حجاز رفت و در مکه با قیام "عبدالله بن زبیر" آشنا شد. وی پس از دیدارهایی با عبدالله بن زبیر، وی را هم فکر و هم عقیده خویش نیافت و بدین جهت از وی جدا شد و به طائف رفت و پس از يك سال، بار دیگر به مکه رفت و با وساطت برخی از شخصیت‌ها، دوباره با عبدالله بن زبیر دیدار کرد و با او به صورت مشروط بیعت کرد و شرط او این بود که وی، پس از عبدالله بن زبیر بالاترین پست حکومتی را داشته باشد، تا از این طریق به هدف‌ها و خواسته هایش برسد.

مختار در جریان هجوم "حصین بن نمیر" به مکه و مقاومت سرسختانه عبدالله بن زبیر، در کنار عبدالله بن زبیر بود و شجاعانه با لشکریان شام به نبرد می‌پرداخت. سرانجام یزید بن معاویه در سال 64 قمری به هلاکت رسید و رشته حکومتی امویان از هم پاشید و عبدالله بن زبیر، خود را خلیفه مسلمانان نامید و بسیاری از مناطق اسلامی، از جمله حجاز، عراق، ایران و یمن را در تصرف خویش درآورد. پس از پیروزی عبدالله بن زبیر، مختار دریافت که وی به فکر و رأی خود عمل می‌کند و تنها به پیروزی خویش می‌اندیشد. بدین جهت، از وی جدا شد و راه عراق را در پیش گرفت و بار دیگر در کوفه ساکن شد.

وی پیش از حرکت به سوی عراق، در حجاز با "محمد بن حنفیه" فرزند امیرمؤمنان(ع) تماس گرفت و هدف‌های خویش را با وی در میان گذاشت.

به همان مقدار که وی به خاندان پیامبر(ص) علاقه نشان می‌داد و برای خون خواهی شهیدان آنان قیام می‌کرد، به همان اندازه عبدالله بن زبیر، پس از پیروزی، با آنان دشمنی می‌نمود و زمینه آزار آنان را فراهم می‌کرد.

مختار پس از ورود به کوفه، شیعیان و بزرگان این شهر را به خود دعوت کرد و از آنان درخواست نمود، که جهت گرفتن انتقام خون شهدای کربلا، وی را یاری دهند.

جنایت کاران واقعه کربلا که در کوفه ساکن بوده و با استاندار عبدالله بن زبیر، رفت و آمد داشتند، از فعالیت‌های مختار به هراس افتاده و استاندار را برای دستگیری وی تحت فشار قرار دادند. بدین جهت، مختار بار دیگر دستگیر شد.

مختار پیش از دستگیری، با سران توابین، از جمله "سلیمان بن صرد خزاعی" در مبارزه با قاتلان واقعه کربلا، همفکری و همکاری داشت ولی با شیوه آنان موافق نبود.

به هر روی، وی در زمان "قیام توابین" در زندان عبدالله بن زبیر به سر می‌برد. پس از واقعه شهادت توابین و بازگشت باز ماندگان آن به کوفه، مختار از زندان با آنان تماس گرفت و زمینه قیام خویش را فراهم ساخت. عبدالله بن عمر، بار دیگر بنا به درخواست مختار، برای وی وساطت کرد و از عبدالله بن زبیر تقاضا نمود، که وی را آزاد کنند.

مختار از زندان آزاد شد و به سازماندهی مجدد شیعیان و خون خواهان امام حسین(ع) پرداخت. در همین زمان، عبدالله بن زبیر، طی حکمی "عبدالله بن یزید انصاری" و خزانه دارش "ابراهیم بن محمد طلحه" را از حکومت کوفه برکنار و "عبدالله بن مطیع" که از یاران بسیار نزدیک وی بود، به این مقام منصوب کرد.

گستره دعوت مختار به بصره نیز رسید و تعداد زیادی از شیعیان این شهر پس از زد و خوردهای متعدد، به کوفه وارد شده و به مختار پیوستند. برخی از بزرگان شیعه و سران قبایل، نسبت به حقانیت دعوت مختار تردید نموده و بدین لحاظ نماینده‌ای به مدینه فرستاده و از محمد بن حنفیه درباره صحت دعوت مختار استفسار نمودند. محمد بن حنفیه در پاسخ آنان گفت: مختار، وزیر و پشتیبان من است و فرستاده و دوستدار ماست.

پس از این پیام، بسیاری از سران شیعه، از جمله "ابراهیم بن مالک اشتر نخعی" به او پیوسته و از جهت نیرو و امکانات تقویتش نمودند. پس از آنکه زمینه قیام فراهم آمد، مختار و ابراهیم بن مالک و دیگر سران نهضت، تصمیم گرفتند که در شب پنج شنبه، 14 ربیع الاول سال 66، قیام را آغاز کرده و حکومت کوفه را به دست گیرند. ولی با برخورد رئیس پلیس کوفه با ابراهیم بن مالک اشتر و کشته شدن رئیس پلیس در روز سه شنبه 12 ربیع الاول، عملاً قیام مختار دو روز زودتر از موعد مقرر آغاز گردید.

انقلابیون کوفه، با شعار "یا لثارات الحسین" حرکت خویش را گسترش داده و با نیروهای عبدالله بن مطیع، نماینده عبدالله بن زبیر به نبرد برخاستند و با شکست دشمن، حکومت کوفه را به دست گرفته و نماینده عبدالله بن زبیر را اخراج کردند.

یاران مختار که عموماً از موالیان و ایرانیان مقیم عراق و شیعیان و دوستان اهل بیت(ع) بودند، در اندک مدتی بر بخش‌هایی از عراق تسلط پیدا کردند.

مختار پس از پیروزی، به تعقیب جنایت کاران واقعه کربلا پرداخت و بسیاری از آنان را دستگیر و به سزای کردارشان رسانید و برخی از آنان را در میدان جنگ به قتل آورد و برخی دیگر را در هنگام شکست، اسیر و به وضع فجیعی به هلاکت رسانید.

وی با این اقدامات خویش، قلب شیعیان و اهل بیت داغدار را شاد کرد و دعای آنان را بدرقه خویش نمود. ولی مختار با سه جبهه مهم از دشمنانش روبرو بود:

1. عبدالله بن زبیر، که برادرش مصعب بن زبیر را به جنگ مختار فرستاده بود.

2. امویان شام که عبیدالله بن زیاد را برای سرکوبی مختار به سوی عراق گسیل کرده بود.

3. ضد انقلاب داخلی و گردنکشان مخالف اهل بیت(ع) که در کوفه و اطراف آن ساکن بوده و با قیام مختار به شدت مخالفت می‌ورزیدند.

سرانجام دشمنان مختار از درون و بیرون، حکومت وی را تحت فشار قرار داده و سپاهیان وی را در چند جبهه درگیر کردند. مصعب بن زبیر که به کوفه هجوم آورده بود، با همکاری ضدانقلاب کوفه، سپاهیان مختار را پس از نبردی سنگین وادار به شکست کرد و در این میان، مختار شجاعانه به قتل رسید.

وی در 67 سالگی و در رمضان سال 67 قمری، هنگامی که تنها يك سال و نیم از حکومت وی گذشته بود، به شهادت رسید. پس از کشته شدن وی، حدود هفت هزار نفر از یاران وی که در دارالاماره محاصره بودند، همگی دستگیر شده و با قساوت تمام مصعب، کشته شدند.

بدین ترتیب، مختار بن ابی عبیده ثقفی با قیام خونین خود، انتقام خون شهیدان کربلا را از جنایت کاران و قاتلان کربلا گرفت و افرادی چون عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد، شمر بن ذی الجوشن، محمد بن اشعث، حصین بن نمیر، شر حبیل بن ذی الکلاع و بسیاری از آنان را به سزای کردارشان رسانید.